



بازتعریف داستان نفت از آغاز تا امروز در همایش ملی نفت و سیاست خارجی

نفت؛ از موج شعارها تا ساحل تدبیر

محمدعلی دیانتي زاده

انرژی هر یک به گونه‌ای بخش عمده‌ای از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سیاست خارجی خود را صرف تولید، توزیع و تضمین امنیت انرژی نموده‌اند.

در کشوری مانند ایران موضوع نفت بیش از ۱۰۰ سال است که در دستور کار سیاست خارجی در مراتب نخست اهمیت قرار دارد. علاوه بر این، در سال‌های اخیر موضوع تحریم‌های نفتی، سرمایه‌گذاری‌های خارجی در حوزه انرژی و همکاری‌های گازی ایران با کشورهای مختلف از جمله موضوعات مهمی است که در حوزه انرژی و سیاست خارجی را به یکدیگر پیوند زده است.

همایش ملی نفت و سیاست خارجی با حضور تعدادی از استادان دانشگاه، صاحب‌نظران اجرایی و نمایندگان بخش خصوصی و با همکاری مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، پژوهشکده علوم و فناوری انرژی دانشگاه صنعتی شریف، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی و مؤسسه بین‌المللی مطالعات دریای خزر برگزار شد و از ۳۰ مقاله رسیده به دبیرخانه همایش، نیمی از آن‌ها در کنفرانس ارائه شد.

اهمیت موضوع پیوستگی میان دو حوزه اقتصاد و سیاست و تأثیر و تأثر متقابل آن‌ها در روند پیشرفت واحدهای ملی، مرکز تحقیقات استراتژیک وابسته به مجمع تشخیص مصلحت نظام را بر آن داشت تا اولین بار در سال ۱۳۸۶ و در گام اول، همایش ملی «سیاست خارجی توسعه‌گرا» را با هدف تأکید بر ضرورت نگرشی نو به سیاست خارجی و توجه به نقش و اهمیت سیاست خارجی در فرایند توسعه اقتصادی، برگزار کند. اما در اسفند ۱۳۸۸ و در دومین گام، عزم بر این بود که به مهمترین موضوع عینی که اقتصاد و سیاست به طور ملموس در آن به هم پیوند خورده است، یعنی موضوع «نفت و سیاست خارجی» پرداخته شود.

موضوع انرژی به دلیل نقش تعیین‌کننده‌ای که در اقتصاد جهانی معاصر دارد، همواره یکی از مهمترین موضوعات مورد توجه سیاستمداران در کشورهای مختلف بوده است. در این فرایند، به‌طور تاریخی کشورهای دارای منابع انرژی و کشورهای طالب منابع

داستان نفت در ایران در سال ۱۸۵۵ با اعلام یک زمین‌شناس انگلیسی مبنی بر اینکه ایران دارای نفت است آغاز شد. اولین قرارداد دولت ایران در زمان مظفرالدین شاه، قرارداد با داری انگلیسی در ۱۲۹۰ بود و می‌بینید که سیاست خارجی از آغاز با نفت همراه بوده است. قرارداد داری تا حدود ۱۳۱۱ فعال بود و قرارداد جدیدی در ۱۳۱۲ با یک شرکت نفت انگلستان بسته شد که تا ۱۳۲۹ ادامه یافت یعنی تا زمان ملی شدن صنعت نفت.

از کشف نفت تا ملی شدن آن، انگلیسی‌ها نسبت به نفت در ایران تصمیم‌گیر بودند. بعد از ملی شدن نفت، افت شدیدی در تولید ایران به وجود آمد؛ چرا که شرکت‌های خارجی از ایران رفته بودند. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دوباره نفت به خارجی‌ها داده شد البته این بار در قالب یک کنسرسیوم متشکل از انگلیسی‌ها، آمریکایی‌ها، فرانسوی‌ها و هلندی‌ها.

مصرف‌کنندگان هرگز با یک نیت درست و صادقانه و بر مبنای روابط عادلانه به کشورهای نفتخیز نگاه نکردند بلکه همواره به دنبال نفت ارزان‌تر و تسلط بر میادین نفتی و تولید بیشتر و سود بیشتر بوده‌اند و همواره بحث قیمت نفت در ایران و جهان وجود داشته است و روزی هم که قیمت نفت را پایین می‌آوردند، آن‌قدر به آن مالیات می‌بستند که برای مصرف‌کننده واقعی قیمت بسیار بالایی بود.

در سال ۷۴-۱۹۷۳ که قیمت نفت بالا رفت و به حدود ۱۱ دلار

رسید هر اونس طلا حدود ۱۰۰ دلار بود. الان هر اونس طلا حدود ۱۲۰۰ دلار است یعنی ۱۲ برابر شده است و با همین معیار قیمت نفت حداقل باید ۱۳۸ دلار در بشکه باشد.

همکاری کشورهای تولیدکننده یک قدم ما را به حق‌مان نزدیک کرد. روندها به شکلی ادامه یافت که دو طرف تولیدکننده و مصرف‌کننده از نفت به مثابه یک اسلحه استفاده کردند در سال ۱۹۷۳ بعد از جنگ رمضان بین اعراب و اسرائیل بود که تولید کنندگان از حربه نفت استفاده کردند و البته مصرف‌کنندگان نیز از حربه نفت استفاده کردند و می‌کنند و از آن برای اعمال فشار بهره می‌برند و جلوگیری از صادرات نفت برای فشار به دولت مصدق مصداق آن است.

سخنرانان در همایش با ارزیابی آخرین ظرفیت صنعت نفت ایران و تطابق آن با شرایط حاکم بر سیاست خارجی دیدگاه‌های کاربردی و نظری خود را حول دو محور نفت ایران و سیاست خارجی، نظام بین‌الملل و امنیت انرژی، ارائه دادند.

تحریم بین‌المللی و تأثیر آن بر صنعت نفت، رقابت در حوزه گاز (ایران، قطر، روسیه)، اقتصاد سیاسی دیپلماسی انرژی منافع و امنیت ایران، امنیت انرژی جهانی و نقش ایران، خصوصی‌سازی و صنعت نفت، بخش خصوصی و سیاست‌های نفتی، بررسی نظری توانمندی ایران برای مداخله در بازار جهانی نفت، نظام بین‌الملل و امنیت انرژی نفت ژئواکونومیک و امنیت ملی ایران، نقش بالقوه ایران در تعاملات نفت و گاز حوزه دریای خزر برخی از موضوعاتی بودند که در این همایش به آن‌ها پرداخته شد.

همچنین تعامل نفت و سیاست خارجی در ایران، رهیافت تنش‌زدایی، ملی‌گرایی در صنعت نفت، دیپلماسی انرژی و لزوم استفاده از آن برای تأمین منافع ملی ایران در جهان، ناکارآمدی اهرم نفت در تحقق اهداف راهبردی سیاست خارجی، دیپلماسی انرژی ایران پس از جنگ سرد و ایران و فرصت‌های جهانی صنعت نفت از دیگر موضوعات مورد بررسی در این همایش بودند.

تدبیر باید جای شعار را بگیرد

«برای امنیت تولید، توزیع و صادرات نفت سیاست خارجی نقش بسیار مؤثر و اساسی دارد و با یک سیاست مدبرانه است که می‌توانیم از نفت به خوبی بهره‌برداری کنیم.»

حسن روحانی، رییس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام که اولین سخنران همایش ملی نفت و سیاست خارجی بود، سخنان خود را با تأکید بر این محور آغاز کرد و ادامه داد: اقتصاد نمی‌تواند از سیاست خارجی جدا باشد و همواره بین این دو پیوندهای مستحکمی وجود دارد. اقتصاد قوی بدون سیاست خارجی مدبرانه امکان‌پذیر نیست و بالعکس؛ در میان بخش‌های اقتصادی نفت جایگاه خاص و ویژه‌ای دارد مخصوصاً در ارتباط با ما و کشورهایی مثل ما.





رویکرد تقابل بین مصرف‌کننده و تولیدکننده در جنگ خلیج فارس به گونه‌ای بود که اساساً این جنگ را به جنگ نفت تبدیل کرد. عراق به دنبال نفت کویت به این کشور حمله کرد و آمریکا به دنبال نفت منطقه علیه عراق لشکرکشی کرد.

در سال‌های بعد از انقلاب نیز آمریکایی‌ها از نفت به عنوان حربۀ علیه ایران استفاده کردند. در دورۀ بیل کلینتون شرکت‌های آمریکایی به دستور دولت‌شان خرید نفت از ایران را تحریم کردند و سپس با قانون داماتو هرگونه سرمایه‌گذاری در بخش‌های نفت، گاز ایران تحریم شد. امروز هم در مسأله هسته‌ای که حق مسلم ایران است، باز متوسل به حربۀ نفت می‌شوند و در بحث تحریم‌ها علیه ایران موضوع تحریم فروش بنزین و یا تحریم خرید نفت را پیش می‌کشند.

مسأله نفت از ابتدا با یک رویکرد امنیتی نیز مواجه بوده است. اگر این رویکرد به یک رویکرد تعاملی بین مصرف‌کننده و تولیدکننده تبدیل شود و نگاه به سوی تأسیس یک بازار یکپارچه نفت که برای آینده بشریت ضروری است باشد و از آن صیانت شود، هیچ وقت بین تولیدکننده و مصرف‌کننده تقابل به وجود نمی‌آید بلکه به یک نقطه اشتراک که به نفع همه جهان باشد، می‌رسیم تا دو طرف به سمت یک رویکرد توسعه‌ای و جهانی حرکت کنند.

براساس سند چشم‌انداز ۲۰ ساله توسعه ایران و اهمیت رویکرد ایران به جهان به صورت تعاملی، ایران باید به جایگاه اول منطقه از لحاظ اقتصادی، علمی و فناوری برسد و الهام‌بخش دنیای اسلام باشد و با دنیا در تعامل مؤثر و سازنده باشد. البته این‌ها در مسأله نفت به این بستگی دارد که طرف مقابل هم رویکردش تعاملی باشد.

مسأله بعدی اهمیت میادین مشترک میان ایران و کشورهای همسایه است؛ در مورد میادین مشترک ما چه در خشکی و چه دریا با همسایگانمان آنچه بسیار حائز اهمیت است این است که چطور از آن‌ها استفاده کنیم. باید با دید منافع ملی کشورها و ملت‌ها به این میادین نگاه شود. ما با عراق ۲۸ میدان مشترک داریم و اخیراً برخی از آنها را عراق به مناقصه گذاشته و برخی از آن‌ها تا پای قرارداد رفته است.

وظیفه سیاست خارجی است که صنعت نفت را در این عرصه همراهی کند. همچنین ایران چهار میدان مشترک با امارات متحده عربی، چهار میدان مشترک با عربستان، یک میدان با ترکمنستان، یک میدان با عمان و یک میدان مشترک گازی با کویت، سه میدان مشترک با قطر دارد و یک میدان مشترک در دریای خزر با آذربایجان، که مجموعاً ۴۳ میدان مشترک با هشت کشور منطقه است. اگر بتوانیم با این همسایگان در قالب یک کمیته فنی به بحث و تبادل پردازیم و مسائل فنی، تخصصی، نحوه اکتشاف، استخراج و تولید را بررسی کنیم، به نفع دو طرف خواهد بود اما اگر در این خصوص به یک رقابت ناسالم برسیم هر کدام جداگانه اقدام اکتشاف، استخراج و تولید کنیم بهره‌وری ما به حداقل می‌رسد. باید تلاش کنیم میادین مشترک نفت و گاز در اولویت‌های کاری ما باشد که اگر در این خصوص فعال نشویم همسایگانمان فعال خواهند بود.

تاکنون حدود ۴۴ درصد از منابع نفت خام خود را استفاده کرده‌ایم. از ابتدای کشف نفت تا سال ۱۳۵۷، ۲۷/۷ میلیارد بشکه نفت خام تولید کرده‌ایم و از ۱۳۵۷ تا ۸۷، ۳۷/۶ میلیارد بشکه نفت خام تولید کرده‌ایم که مجموعاً ۶۵/۳ درصد از ذخایر نفت ما را

تشکیل می‌دهد که یا مصرف و یا صادر کرده‌ایم و آنچه باقی مانده است ۸۵ میلیارد بشکه نفت خام است.

تغییر پارادایم حاکم بر نفت در دوران اصلاحات

«در دوران اصلاحات سهم گاز در سبد انرژی از ۳۷ درصد به ۶۰ درصد رسید و ۵۰ هزار نفر به‌طور مستقیم در عسلویه مشغول به کار شدند. همچنین ۳۰ میلیارد دلار سرمایه به بخش نفت تزریق شد و ۱۸ میلیارد دلار برای پتروشیمی جذب کردیم.»

بیژن نامدار زنگنه، وزیر نفت دولت اصلاحات که از دیگر سخنرانان همایش بود، داستان نفت را که حسن روحانی از دوران مظفرالدین‌شاه آغاز کرده بود، از دوران اصلاحات پی گرفت و با تأکید بر این‌که هر سیاست‌مداری باید به دنبال به حداکثر رساندن منافع ملتش باشد، گفت: «ما در دولت اصلاحات اصولی را پذیرفته بودیم و براساس آن راهبردهایمان را تنظیم کردیم. یکی از این اصول پذیرش اصل تعامل با تولیدکنندگان بزرگ در اوپک در عین رقابت بود. اوپک سازمان رقبا برای همکاری است اما هرکسی به اوپک می‌آید، می‌خواهد سر بقیه کلاه بگذارد و منافعی را از جیب دیگران درآورد. حالا اگر سیاست‌مداری دنبال حداکثر کردن منافع دیگری باشد، باید به او شک کرد.

ما در دولت اصلاحات گفتیم می‌خواهیم دشنام ندهیم و مودب صحبت کنیم. به رهبران کشورها تهمت نزنیم. نگوئیم شما نوکر که هستید یا که نیستید. داخل جلسات محکم و مودبانه صحبت می‌کردیم و در بیرون با احترام برخورد می‌کردیم، نه این‌که در داخل جلسات نرمش به خرج دهیم و در مجامع علنی دشنام بگوئیم.

ما براساس این سیاست بود که به عربستان بی‌احترامی نکردیم و پذیرفتیم با تعامل با تولیدکنندگان بزرگ، منافع‌مان بیشتر حفظ می‌شود. برای رسیدن به هدف تعریف‌شده یعنی دست یافتن به قیمت مناسب فروش نفت و مشتقات آن از یک طرف با تحریم مواجه بودیم و از یک طرف با تولیدکنندگان بزرگ مثل عربستان مشکل داشتیم اما با همین سیاست توانستیم بسیاری از مشکلاتمان را حل کنیم.

واقعیت‌هایی در جهان است که باید به آن توجه کرد؛ جهان ثابت نیست. جهان دهه ۶۰ و ۷۰ با جهان فعلی فرق می‌کند و باید تغییر را پذیرفت جنگ سرد مختصاتی داشت و امروز مختصات دیگری در جهان وجود دارد. سیاست عربستان هم براساس

در حال حاضر ایران جایگاه دوم را در منطقه دارد و عربستان پیشتر است. ما توانسته‌ایم جایگاه خود را در چند سال گذشته حفظ کنیم و البته بسیار مهم است که این جایگاه حفظ شود اما برخی از کشورها هم خیز برداشته‌اند تا جایگاه خود را ارتقا بخشند. مهم است که برای توسعه میادین خود سرمایه‌گذاری خارجی را جذب کنیم و کار سیاست خارجی است که این مسیر را برای بخش نفت تسهیل کند. در بخش فناوری نیاز داریم تا سیاست خارجی مان فعال عمل کند. ارتقاء ضریب بازیافت ما در بخش تولید با استفاده از فناوری‌های روز و پیشرفته بسیار مهم است. باید با فعال شدن سیاست خارجی و رویکرد تعاملی با دنیا سرمایه مورد نیاز بخش نفت را جذب کنیم و از سوی فناوری لازم را برای ارتقای این صنعت به کار گیریم. آن‌هایی که به این نکات توجه ندارند، باید بدانند که گاهی برخی شعارهای تند و بی‌حساب، ضررش برای منافع ملی بسیار زیاد است. در حالی که یک گام درست در این مسیر می‌تواند به نفع کشور باشد.

ما در حال حاضر نفت را در داخل تلف می‌کنیم. اگر ۱۵۰۰ میلیون بشکه کل تولید نفت ما در سال باشد، ۹۰۰ میلیون بشکه را صادر می‌کنیم و ۶۰۰ میلیون بشکه را در داخل مصرف می‌کنیم که این میزان رقم بالایی است و اگر مصرف به همین منوال باشد تا سال ۱۳۹۹ به جایی خواهیم رسید که اگر کل تولید خود را نیز در داخل مصرف کنیم، باز هم کم می‌آوریم و باید از خارج نفت وارد کنیم.

امیدوارم بحث هدفمند کردن یارانه‌ها بتواند جلوی مصرف بی‌رویه را بگیرد اما مسأله‌ای که می‌تواند در این خصوص تسهیل‌کننده باشد، موضوع تکنولوژی است و استانداردسازی تجهیزات گرمایی و خودروها و سایر کالاهای صنعتی در داخل است که استانداردهای فعلی در مقایسه با دنیا غیرقابل قبول است. شدت انرژی یعنی میزان انرژی معادل نفت خام برای تولید هزار دلار در تولید ناخالص داخلی. در ایران ۰/۹ تن معادل نفت انرژی مصرف می‌کنیم و در ژاپن این میزان ۱۲ درصد و در اروپا این میزان ۲ دهم است. بنابراین می‌بینید که فناوری می‌تواند جلوی این شدت انرژی نامطلوب را بگیرد. از این رو است که باید به جای فضای تقابلی و



رئیس‌جمهور تشکیل می‌دادیم تا سیاست‌های کلان بخش نفت را تدوین کنیم.

امروز از افزایش تولید و حفظ رتبه ایران در بازار جهانی نفت صحبت می‌شود اما باید بدانیم که رتبه ما با چه سهمی از بازار و چه نسبتی با مقایسه با تولیدکنندگان منطقه‌ای حفظ می‌شود. همین که رتبه دوم اوپک را داشته باشیم، کافی نیست. ما ۸ سال پیش نسبتمان به عربستان ۵۰ درصد بود و رتبه دوم را داشتیم. اما حالا این نسبت زیر ۴۰ درصد است. قبل از انقلاب نسبت تولید ما به عربستان ۸۰ درصد بود، اما بعد از انقلاب داوطلبانه این رقم را به ۲۰ درصد کاهش دادیم و بعد هم جنگ تحمیلی شروع شد.

ما نه تنها با هدف اقتصادی صرف بلکه با هدف ارتقای توان امنیتی ملی باید بر ظرفیت‌سازی تولید نفت و اجرای سریع طرح‌های تولید نفت تاکید کنیم. این گونه بود که در دولت اصلاحات، پارادایم حاکم بر نفت آگاهانه تغییر کرد. گفتیم نفت درآمد نیست بلکه ثروت بین نسلی است و از طریق آن باید اقتصاد متکی به نفت را تبدیل به اقتصاد قدرتمند کنیم. یعنی بر پایه قدرت نفت اقتصاد را بنا کنیم، نه این که بودجه ما متکی به نفت باشد.

این کار برای ما پرهزینه بود؛ حساب ذخیره را درست کردیم و آگاهانه دسترسی دولت به نفت را محدود کردیم. مثلاً در برنامه سوم به‌طور متوسط ۱۵ دلار از فروش هر بشکه نفت را در بودجه گنجانیدیم و این رقم در برنامه چهارم ۲۳ دلار شد و ده‌ها میلیارد دلار وام به بخش خصوصی داده شد.

سعی ما بر این بود که بودجه توسعه میادین نفتی و گازی را از خارج تأمین کنیم و پول داخلی را برای توسعه بخش‌های دیگر اقتصاد بگذاریم. این بود که کاهش وابستگی بودجه عمرانی به نفت محقق شد. اگر کشوری نتواند برای صنعت نفت خود از فاینانس و سرمایه خارجی استفاده کند با علامت خیلی بدی مواجه شده است.

رشد توأمان تولید و مصرف، ما را به‌جای صادرات به واردات انداخت

سخنران بعدی این همایش اما بحث را از نفت به گاز کشاند. اکبر ترکان، مدیرعامل سابق شرکت نفت و گاز پارس با اشاره به این که رقابت ایران و روسیه در بازار گاز منافع هر دو کشور را در این بازار از بین می‌برد، گفت: ما نباید بازیچه قدرت‌هایی شویم که می‌خواهند از توانایی ایران برای رقابت با روسیه و پایین کشیدن قیمت گاز استفاده کنند. تقویت روسیه در بازار اروپا موقعیت ما را ارتقا می‌دهد، پس باید بگذاریم روسیه قیمت را کنترل کند و به سقف ممکن برساند.

روسیه اولین دارنده ذخایر گاز در جهان است و پس از روسیه ایران و قطر قرار دارند. در این سال‌ها قطر با افزایش تولید توانسته

همین تغییرات بعد از یازده سپتامبر متفاوت شد و از سیاست سنتی سهم بازار به سیاست قیمت منطقی تغییر کرد. ما در سیاست‌های‌مان همراهی با مصرف‌کنندگان را گنجانیدیم. گفتیم باید با مصرف‌کنندگان رفتار دوستانه داشته باشیم. توهین نمی‌کنیم. تعامل می‌کنیم.

ما سیاست‌هایی را در دستور کارمان قرار دادیم و در مقابل تحریم آمریکا طوری عمل کردیم که همه کشورها این تحریم را دور زدند. یک بار هم که در جلسه اوپک حضور داشتیم، زمانی بود که قیمت نفت بالا رفته بود. یک خبرنگار آمریکایی در حاشیه جلسه به من گفت: «اگر امکان دارد، من از شما بپرسم علل افزایش قیمت نفت چیست و شما در پاسخ بحث تحریم‌ها را پیش بکشید!» من هم گفتم: «آمریکا با خرید نفت گران توان تحریم‌هایش را پس می‌دهد.»

وزیر انرژی اتحادیه اروپا که یک خانم بود، در ریاض به من گفت: «ما برای مشارکت در توسعه میدان‌های نفتی و گازی شما چه کار باید بکنیم؟» گفتم: «تکنولوژی، پول ارزان و بازار تنظیم‌شده برای صادرات گاز در اختیارمان بگذارید.»

برای فعال کردن دیگر کشورها به ژاپن گفتیم ۴/۳ میلیارد دلار به ما وام بده تا توسعه میدان آزدگان را به شما بدهیم. به چین گفتیم برای حضور در میدان یادآوران این قدر ال.ان.جی از ما بخر. هند هم همین‌طور. این‌ها کارهای مهمی بود وقتی به چین می‌رفتیم، سرگردان نبودیم که درباره چه چیزی صحبت کنیم. نتایجش را هم می‌بینیم؛ در سال‌های تصدی دولت اصلاحات ۳۰ میلیارد دلار سرمایه به بخش نفت تزریق شد و ۱۸ میلیارد دلار برای پتروشیمی جذب کردیم. ظرفیت تولید نفت ما از ۳ میلیون ۸۵۰ هزار بشکه در سال ۷۶ به ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در ۸۴ رسید.

در کشورهای نفت خیز جهان سوم، وزارت نفت، وزارت خارجه دوم تلقی می‌شود. برای همین بود که ما ماهی یک بار با حضور رئیس کل بانک مرکزی و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، وزارت خارجه و وزارت امور اقتصادی و دارایی جلسه‌ای در حضور





پروژه‌ها به دلیل تشدید تحریم‌ها را نادیده گرفت.» از دولتمردان پیشین، یکی هم سید محمدحسین عادل، معاون سابق وزارت امور خارجه بود که در این همایش میکروفونش را روشن کرد و با بیان این مطلب گفت: ایران تنها کشوری است که تاکنون به مفهوم واقعی مورد تحریم قرار گرفته است. اعمال تحریم به مفهوم وادار کردن کشور تحریم شونده به تغییر رفتار است. در واقع تحریم نوعی مدیریت مهار و ایجاد فرسودگی تدریجی علیه کشوری است که منافع آن در جهت عکس منافع کشور تحریم‌کننده تعریف شده است.

تحریم‌ها در سه قالب تحریم‌های یک جانبه از سوی یک کشور برتر علیه کشوری ضعیف‌تر، تحریم رسمی بین‌المللی مورد تأیید شورای ملل و سازمان امنیت بین‌المللی و تحریم داوطلبانه توسط گروهی از کشورها علیه یک کشور ثالث، تعریف می‌شود که البته بررسی‌ها حاکی از تحقق هر سه نوع تحریم علیه ایران است.

نفت ایران در تحقق سه کارکرد مهم، شامل فراهم‌سازی زیرساخت‌های رشد و توسعه، تأمین ۲۵ درصد جی.دی.پی، ۶۵ درصد درآمد بودجه و حدود ۸۵ درصد درآمد ارزی و تعریف جایگاه ایران در مناسبات بین‌المللی، تأثیر انکارناپذیری دارد. چراکه نفت، امروزه کالایی با ارزش امنیتی تعریف می‌شود.

نفت، امروزه هم‌سنگ قدرت نظامی می‌تواند به عنوان اهرمی

است مانند روسیه خود را به عنوان یک صادرکننده گاز مطرح کند اما در ایران چون رشد تولید با مصرف همراه بوده است، ما به جای اینکه صادرکننده گاز شویم واردکننده آن شده‌ایم.

مصرف ما در بخش خانگی، یعنی بخشی که نقشی در تولید ناخالص داخلی ندارد، بالا رفته است. به این ترتیب ما هرچه گاز تولید کرده‌ایم به مصرف رسانده‌ایم. بررسی‌ها نشان می‌دهد معادل بیش از ۵ میلیون بشکه نفت خام در روز انرژی مصرف می‌کنیم. در حالی که ترکیه با تولید ناخالص داخلی دو برابر ما روزی ۶۸۰ هزار بشکه نفت یا معادل آن را مصرف می‌کند. از این رو کنترل مصرف و تدوین استراتژی صادرات گاز ضروری است.

روسیه استراتژی صادراتی‌اش را بر مبنای خط لوله تعریف کرده و قطر بر مبنای ال.ان.جی ما هم باید بدون این‌که از ال.ان.جی غافل شویم، باید استراتژی‌مان را بر صادرات گاز از طریق خط لوله بگذاریم. چراکه قدرت ما در صادرات گاز با خط لوله است.

تأثیر اندک تحریم بر صنعت نفت در ۶۵ کشور جهان

«در ۶۵ تحریم اعمال شده علیه کشورهای جهان به‌خصوص در نفت به‌جز چند مورد، تحریم هرگز نتوانسته است تأثیر مشهودی بر صنعت نفت داشته باشد. البته نمی‌توان تأثیر فرسایشی و مهار حرکتی

برای شناخت قدرت نفت می‌توان سناریوهایی را تعریف کرد؛ بر فرض اگر صادرات نفت ایران به مدت یک ماه متوقف شود، حدود دو میلیون بشکه نفت بازار جهان یا اوپک کسر می‌شود که به رشد ۲۸ درصدی قیمت و معادل ۲/۵ میلیارد دلار افزایش درآمد طی یک ماه منجر می‌شود.

قوی‌ترین بازار، بازاری است که در مقابل شایعه مورد عیارسنجی قرار گرفته و مقاومت داشته باشد. چرا که در این نوع بازار، عرضه و تقاضا است که نوسان‌ها را سبب می‌شود و از هرگونه افت و خیزهای روانی مصون است. مکانیزم تأثیر شایعه به گونه‌ای است که ضمن ایجاد بحران سبب می‌شود تقاضا افزایش و قیمت

کاهش یابد. تحقق بحران به مفهوم افزایش ذخیره‌سازی، تعریف می‌شود که البته به محض رفع مشکل بحران شاهد کاهش شدید قیمت هرچند در کوتاه‌مدت خواهیم بود.

بستن تنگه هر رمز به‌عنوان سناریوی دوم در صورت تحقق، فشار روانی بسیار شدیدتری را موجب می‌شود. به‌گونه‌ای که با بروز چنین اتفاقی ۲۵ درصد مصرف واردات نفت جهان تحت تأثیر قرار می‌گیرد. اجرای دو هفته‌ای سناریوهای مزبور حاکی از رشد ۲۸۰ درصد قیمت نفت و معادل ۱۲ میلیارد دلار سود برای ایران است. این در حالی است که ۳۳ درصد مصرف از آن کشورهایی است که امکان ذخیره‌سازی ندارند.

اگر بحران تکرار نشود، کشور سیاست‌گذار مدعی، اعتبار استراتژیک خود را از دست خواهد داد، اما اگر ادعای کشور سیاست‌گذار اجرایی و مقرر شود و مجدداً سیاست مزبور در دستور کار قرار گیرد، معتقدم هزینه ناشی از بحران آن‌قدر زیاد خواهد بود که امکان تحقق ادعای دوم به خودی خود از مدعی سلب می‌شود.

تعامل در بلندمدت مطلوب‌ترین، کم‌هزینه‌ترین استراتژی بخش نفتی در هر کشوری تلقی می‌شود. چراکه تهدید به محض وقوع هزینه‌های خود را در پی خواهد داشت. سلاح نفت به‌عنوان یک سرمایه ملی باید بدون اشاره به ادبیات تهدید حفظ شود. زیرا در غیر این صورت ضمن شکست پروژه و بی‌اعتباری، امکان تهدید برای

برای تأثیرگذاری در سیاست جهانی تلقی شود. چراکه شرایط امروز جهان بسیار متفاوت‌تر از شرایط قبل است؛ محور بروز و تبیین چالش‌ها و جدل‌های بین‌المللی امروز جهان، تصدی بر بازار انرژی و نفت است و رقابت امروز جهانی بر سر منابع انرژی است، نه بر سر جنگ تمدن‌ها.

بنابراین با بروز شوک تقاضا، به‌عکس شوک عرضه دهه ۱۹۸۰

میلادی، کشور دارنده نفت، از منابع تحت تصدی می‌تواند به‌عنوان اهرمی تأثیرگذار در مناسبات اقتصادی سیاسی جهان بهره‌برد. مدیریت توسعه منابع، دسترسی به منابع مالی و تأکید بر بهره‌وری از تکنولوژی روز، سه مؤلفه هستند که بالندگی و توسعه نفت را

تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این منظر، تحریم تأثیر منفی بر توسعه مدیریت نفت خواهد داشت. ضمن این‌که سلب بازارهای مالی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، محرومیت از توزیع، ترانزیت انرژی و کاهش سهم ایران در بازارهای جهانی را در پی خواهد داشت.

بنابراین هرچند تحریم تجهیزات فنی و علمی زمینه رشد بخش

نفتی در این خصوص را سبب شده است اما نباید سیاست‌ها به گونه‌ای تعریف و اجرایی شود که به دلیل کندی پروژه‌ها، بسیاری از منابع مشترک و فرصت‌های امروزی بازار را از دست بدهیم.

سلاح نفت را باید بدون ادبیات تهدید حفظ کرد

«اگر سیاست‌های بخش نفتی به‌گونه‌ای تبیین شود که از نفت به‌عنوان ابزار تهدیدآمیز استفاده شود، نباید در مسیر اجرا متوقف گردد وگرنه هزینه‌های کلانی را تحمیل خواهد کرد.»

در همایش ملی نفت و سیاست خارجی در کنار چهره‌های سیاسی، چهره‌های دانشگاهی نیز پشت تریبون قرار گرفتند. یکی از این چهره‌ها سید

محمدعلی موسوی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران بود که با ذکر این نکته گفت: معتقدم از نفت نه امروز که طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به عنوان سلاح علیه اسرائیل استفاده شد و جایگاه آن در مناسبات اقتصادی سیاسی تثبیت شد.

سلاح نفت به‌عنوان یک سرمایه ملی باید بدون اشاره به ادبیات تهدید حفظ شود. زیرا در غیر این صورت ضمن شکست پروژه و بی‌اعتباری، امکان تهدید برای همیشه ضایع می‌شود



بخش خصوصی با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد. رشد فضای رقابتی و افزایش کارآیی به عنوان دو هدف در امر واگذاری تعریف می‌شود، اما تحقق اهداف کلان تعریف شده در این مسیر بدون مقررات‌زدایی و تبیین ساختار بازار جدید با توجه به نظام تعریف صحیحی از نظام بازار مالیات، خط واردات و صادرات، تعیین نقش نهادهای عمومی در قالب فعالیت‌های خصوصی و نحوه کنترل نظارت و دیگر شاخصه‌های مرتبط امکان‌پذیر نخواهد بود. چرا که هنوز از سوی بخش نفتی هیچ‌گونه برنامه‌ای به این سبب تنظیم و ارائه نشده است.

محل واگذاری بنگاه، یکی دیگر از شاخصه‌هایی است که در امر واگذاری تعیین کننده است. چراکه واگذاری پتروشیمی‌ها و شرکت‌های بزرگ نفتی با توجه به مقیاس بازار ایران و ظرفیت بازار داخل در بورس امکان‌پذیر نیست. به عنوان مثال حدود چهار سال قبل، کل ارزش بازار بورس تهران حدود ۱۰ میلیارد دلار برآورد می‌شد. این در حالی است که اگر بخواهیم با توجه به ظرفیت بازار، یکی از بنگاه‌های با ارزش مالی بیش از ۶ میلیارد دلار را در این بازار عرضه کنیم، به حتم بازار تهران از تناسب و بازدهی لازم برخوردار نخواهد بود.

به همین ترتیب، بازار بورس ایران بدون پیوستن به بازارهای

بین‌المللی، ظرفیت حجم عظیم منابع نفتی کشور را ندارد. بنابراین تعیین گستره بازار نیاز اول مسیر خصوصی سازی است.

در حال حاضر حدود ۴۰۰ شرکت در بازار بورس ایران فعالیت دارند که از این تعداد حدود ۱۰ شرکت به شکل خصوصی و حدود ۳۹۰ شرکت به شکل دولتی متولد شده‌اند. این امر باعث شده است بازار ایران نتواند امکان شکل‌گیری بنگاه‌های با مقیاس بزرگ داشته باشد. از این رو خصوصی سازی در ایران نیازمند یک برنامه‌ریزی نهادی در جهت شکل‌دهی بازارهای متشکل نفت شامل نهادهای ملی بازار نفت در پیوند با بازارهای بین‌المللی است.

در حال حاضر پیش‌بینی‌ها حاکی از عدم توازن تقاضا و تولید نفت طی دهه‌های آتی در جهان است که به مفهوم پایان دوران نفت ارزان و تغییر ساختاری در عرضه نفت و گاز جهان است. اما با برنامه‌ریزی جامع و اجرایی می‌توانیم برنامه‌های آتی بخش نفت را به گونه‌ای تعریف کنیم که ضمن حفظ و تثبیت جایگاه خود در عرصه انرژی، به تصدی بر بازارهای آینده نفت در مناطق مصرفی بینجامد که البته به روش کنونی امکان پذیر نیست. ■

همیشه ضایع می‌شود. تحریم قالبی سودده دارد اما درآمیختگی و تحقق آن با تهدید، با تحمیل هزینه بر کشور همراه خواهد بود. البته آقای موسوی توضیح نداد که در صورت بالا رفتن قیمت نفت ناشی از بستن تنگه هرمز چگونه ایران از بالا رفتن نفت منتفع می‌شود. چون در این صورت خود ایران هم قادر به صدور نفت خواهد بود.

خصوصی‌سازی بدون بازار متشکل نفت خصوصی ممکن نیست

«از آن‌جا که خصوصی‌سازی در ایران با مشکلات عدیده‌ای از جمله وسعت بازار ایران مواجه است، بدون پیوند با بازارهای بین‌المللی، خصوصی‌سازی در این بخش در راستای اهداف تعیین شده امکان‌پذیر نخواهد بود.»

عباس آخوندی، عضو مرکز مطالعات جهان دانشگاه تهران دیگر چهره دانشگاهی بود که در همایش نفت و سیاست خارجی سخن گفت. او سخنانش را از منظر آماری آغاز کرد و گفت: بعد از اجرایی کردن سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، حدود ۶۱ میلیارد دلار بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی واگذار شده که ۴۷ میلیارد دلار آن در قالب سهام عدالت و رد دیون بوده است.

در بخش پتروشیمی ۴,۴ میلیارد دلار واگذاری داشتیم که ۳,۵ میلیارد دلار سهام عدالت و رد دیون و ۹۰۰ میلیون دلار در قالب دیگر انواع بنگاه‌ها که البته خصوصی تلقی نمی‌شوند، بوده است. در شرکت پالایش و پخش حدود ۴ میلیارد دلار واگذاری منابع دولتی اتفاق افتاده که حدود ۳,۸ میلیارد دلار آن در قالب سهام عدالت و رد دیون و الباقی در قالب بنگاه‌های به اصطلاح خصوصی واگذار شده است.

نکته حائز اهمیت در امر خصوصی‌سازی، توجه نکردن به محیط فعالیت خصوصی و عدم تعریف برنامه جامع با هدف کنترل انحصارات واگذار شده است. چراکه بدون فراهم کردن بازار متشکل نفت خصوصی،

واگذاری بنگاه‌های نفتی نمی‌تواند معنی و مفهوم صحیحی از واگذاری را ارائه دهد.

حدود ۷۰ سال است که بازار نفت ایران تحت سیطره دولت است و مسلماً اگر پیش از ایجاد نهادهای بازار نفت، تنظیم مقررات جدید برای ورود به بازارهای هدف، شکل‌دهی نهادهای نظارتی با هدف تقویت بخش خصوصی و آماده‌کردن بنگاه‌ها برای واگذاری مورد توجه قرار نگیرد، امر واگذاری و فعالیت در بازار نفت برای

